

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نپاشد تن من مباد بدین بوم و بر زنده یک تن مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

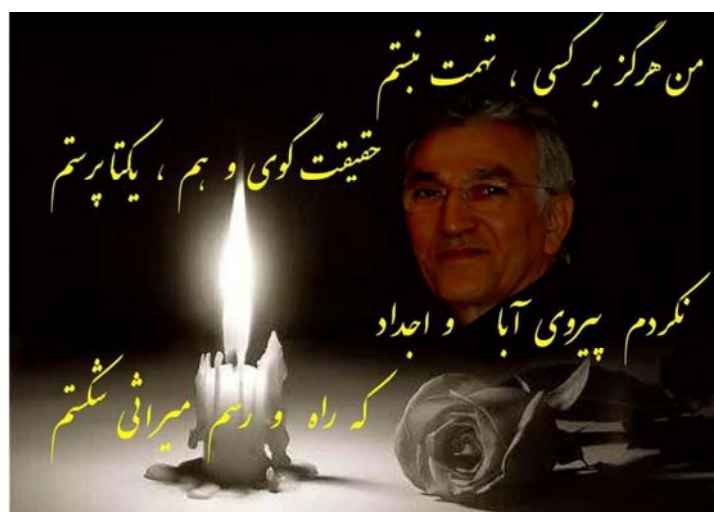
afgazad@gmail.com

Literary-Cultural

ادبی - فرهنگی

نعمت الله مختارزاده

۲۴ جولای ۲۰۲۰



نُهاز در رُولِ رَواز

باز آمد و باز آمد، با عشوه نُهاز آمد
آن رانده نا خوانده، افسرده جا مانده
کلر غکی بی چاره، دُم کننده شکم پاره
آمد که وصال گل، وارث شود از بلبل
بر گل شده، خار همدم، چون مجرم نا محرم
میدان شغالی شد، گندم همه شالی شد
آز رده قناری شد، از باغ فراری شد
نَو آمده در بازار، کهنه شده دل آزار

از گله گریزا و در رُولِ رَواز آمد
قهر و غضبی شانده، با عشق مجاز آمد...
با تُنبک و نغاره، رقصیده به ناز آمد
آن خُل صفتِ مَنگُل از بهرِ جهاز آمد
بر سینه پر از غم، چون سوز و گداز آمد
پیمانه که خالی شد، کولا و پیاز آمد
بر راغ قراری شد، چون شعبده باز آمد
تیری به دل «نعمت» باز آمد و باز آمد

نُهاز در رُولِ رَواز

باز آمد و باز آمد ، باعشوه نُهاز آمد از گد گریزا و ، در رُولِ رَواز آمد
آن راندهء ناخوانده ، افسردهء جا مانده قهر و غضبی شانده ، باعشقِ مجاز آمد
کمر عسکی بی چاره ، دُم کنده شکم پاره باتُنبک و نغاره ، رقصیده به ناز آمد
آمد که وصال گل ، وارث شود از بلبل آن خلِ صفتِ مَسْکُل از بهرِ جاز آمد
بر گل شده ، خار هدم ، چون مجرّم نامحرم بر سینهء پر از عسم ، چون سوز و گداز آمد
میدانِ شغالی شد ، کندم همه شاله شد پیسمانه که خاله شد ، کولاه و پیاز آمد
آزرده و تنماری شد ، از باغ فراری شد بر راغِ قراری شد ، چون شعبده باز آمد
نوا آمده در بازار ، کهنه شده دل آزار تیری به دلِ « نعمت » باز آمد و باز آمد